

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مائوتسه دون ۲۷ فیبروری ۱۹۵۷
باز تایپ و ارسال از: احمد پوپل
۱۶ دسمبر ۲۰۱۸

درباره مسأله حل صحیح تضادهای درون خلق *

(۲۷ فیبروری ۱۹۵۷)

۱۰

۱۱ - درباره صرفه جوئی

اینک مایلیم مختصری درباره مسأله صرفه جوئی صحبت کنم. ما درصددیم به ساختمان پروژه های پرادمانه و وسیعی دست بزنیم، ولی کشور ما هنوز بسیار فقیر است - در اینجا تضادی نهفته است. یکی از راه های حل این تضاد اجرای همه جانبه و پیگیر سیستم صرفه جوئی دقیق می باشد.

طی جنبش علیه "بلایای سه گانه" در ۱۹۵۲، ما علیه اختلاس، اسراف و بوروکراتیسم برخاستیم و ضمناً تکیه را بر مبارزه علیه اختلاس نهادیم. در ۱۹۵۵ به تبلیغ در باره صرفه جوئی پرداختیم: در آن زمان تکیه را بر مبارزه علیه موازین بیش از اندازه پروژه های اساسی غیر تولیدی و همچنین بر صرفه جوئی در مواد خام در تولیدات صنعتی گذاشته بودیم. در این مورد موفقیت های بزرگی هم به دست آوردیم.

ولی در آن زمان رهنمود صرفه جوئی هنوز در تمام شاخه های اقتصاد ملی و همچنین در ادارات، واحدهای نظامی، مدارس و سازمان های توده ئی به طور جدی اجراء نمی گردید. امسال ما باید در کلیه زمینه ها در سراسر کشور سیستم صرفه جوئی را بسط و توسعه دهیم و با اسراف مبارزه کنیم.

ما هنوز در امر ساختمانی تجربه کافی نداریم؛ در سال های اخیر به موازات موفقیت های عظیمی که کسب کردیم، اسراف نیز در کار ما وجود داشت. ما باید به تدریج تعدادی مؤسسات مدرن بزرگ به مثابه استخوان بندی صنایع به وجود آوریم زیرا بدون این استخوان بندی قادر نخواهیم بود کشور خود را در عرض چند ده سال به یک قدرت صنعتی مدرن تبدیل کنیم.

ولی قسمت اعظم مؤسسات ما نمی توانند از این نوع باشند. ما باید بیشتر به ساختمان مؤسسات کوچک و متوسط بپردازیم و در عین حال از پایه های صنعتی جامعه کهن به طور کامل استفاده کنیم و با تمام قوا صرفه جوئی نمائیم تا بتوانیم با صرف هزینه کمتر کار بیشتری انجام دهیم.

پس از آن که دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در نومبر سال گذشته رهنمود اجرای یک سیستم صرفه جوئی دقیق و مبارزه با اسراف را تأکید کرد، در عرض چند ماه نتایج خوبی به دست آمد. جنبش صرفه جوئی کنونی باید به طور جدی و پیگیر اجراء شود.

درست همان طور که در مورد انتقاد از نواقص و اشتباهات صحبت شد، مبارزه با اسراف را نیز می توان به شست و شوی دست و صورت تشبیه کرد.

آیا مردم هرروز دست و روی خود را نمی شویند؟ حزب کمونیست چین و احزاب دموکراتیک و افراد غیر حزبی دموکرات، روشنفکران، صاحبان صنایع و بازرگانان، کارگران، دهقانان، پیشه وران و به طور خلاصه ما همه ۶۰۰ میلیون نفر خلق چین باید در راه افزایش تولید و اجرای سیستم صرفه جوئی و علیه افراط و اسراف مبارزه کنیم. این امر نه فقط دارای ارزش مهم اقتصادی است، بلکه دارای اهمیت سیاسی بزرگی نیز می باشد.

در حال حاضر در میان بسیاری از کارمندان ما گرایش خطرناکی - عدم تمایل به شرکت در غم و شادی توده ها و فقط به دنبال کسب نام و نشان و نفع شخصی رفتن - در حال رشد است این گرایش بسیار ناسالمی است. ما در جریان جنبش برای افزایش تولید و اجرای سیستم صرفه جوئی خواستار ساده کردن دستگاه اداری، اعزام کادرها به درجات پایین تر هستیم تا عده زیادی از کادرها مجدداً به کار تولیدی بازگردند.

این یکی از شیوه هائی است که می توان برای برطرف ساختن این گونه گرایش های خطرناک به کاربرد. کلیه کادرها و تمام خلق باید دائماً در خاطر داشته باشند که چین يك کشور سوسیالیستی بزرگ و در ضمن از نظر اقتصادی کشوری عقب مانده و فقیر است. این تضاد بسیار بزرگی است.

برای این که بتوان از چین کشوری ثروتمند و نیرومند ساخت، به ده ها سال کار و زحمت احتیاج است که کوشش برای اجرای رهنمود صرفه جوئی و مبارزه با اسراف یعنی رهنمود ساختمان کشور از طریق پشتکار و صرفه جوئی از آن جمله است.

۱۲ - راه صنعتی کردن چین

مقصود من از بحث درباره راه صنعتی کردن چین به طور عمده رابطه رشد صنایع سنگین و صنایع سبک و کشاورزی است. صنایع سنگین در مرکز ساختمان اقتصادی کشور ما قرار دارد. این موضوع را باید حتماً تصدیق نمود. اما در عین حال باید به رشد و تکامل کشاورزی و صنایع سبک نیز توجه کافی مبذول داشت.

از آنجا که چین کشور فلاحتی بزرگی می باشد، اهالی روستاها بیش از ۸۰ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می دهند، لذا باید صنایع و کشاورزی همزمان با یکدیگر رشد و تکامل یابند. فقط در این صورت است که صنایع قادر به دریافت مواد خام و پیدا کردن بازار فروش می گردند و فقط در این صورت است که می توان سرمایه بیشتری برای ساختمان صنایع سنگین نیرومند جمع آوری نمود. همه می دانند که صنایع سبک با کشاورزی پیوندی نزدیک دارد. بدون کشاورزی صنایع سبک نمی تواند وجود داشته باشد.

ولی هنوز مردم به روشنی درک نمی کنند که کشاورزی برای صنایع سنگین بازار فروش مهمی می سازد. اما درک این موضوع آسان تر خواهد شد وقتی که دیده شود که با رفرم تکنیکی و مدرنیزه کردن تدریجی کشاورزی همواره ماشین الات، کود، وسایل آبیاری، ماشین های تولید برق و وسایل حمل و نقل و همچنین مواد سوختی و مصالح ساختمانی برای مصرف کنندگان روستاها روزبه روز بیشتر لازم می شود.

اگر در دوره نقشه های پنج ساله دوم و سوم کشاورزی ما رشد بیشتری بیابد و در نتیجه صنایع سبک هم بتواند به موازات آن رشد وسیع تری پیدا کند، این رشد برای مجموعه اقتصاد ملی مفید خواهد بود. صنایع سنگین در اثر رشد و تکامل کشاورزی و صنایع سبک می تواند بازار های فروش پیدا کرده و پول جمع نماید و از این طریق سریع تر رشد یابد.

در وهله اول چنین به نظر می رسد که از سرعت صنعتی کردن قدری کاسته شده است، ولی در واقع از این سرعت چیزی کاسته نشده، بلکه شاید سریع تر نیز گردیده است. در جریان سه نقشه پنج ساله یا شاید کمی بیشتر ممکن است تولید سالیانه فولاد چین که قبل از آزادی یعنی در سال ۱۹۴۳ حد اکثر قدری بیش از نه صد هزار تن بود، به بیست میلیون تن و یا بیشتر افزایش یابد. در این صورت مردم ده و شهر هر دو راضی خواهند شد.

من امروز قصد ندارم درباره مسایل اقتصادی زیاد صحبت کنم. ما فقط ۷ سال است که به ساختمان اقتصادی پرداخته ایم، لذا هنوز تجربه کافی نداریم و باید تجربه بیندوزیم.

ما در کار انقلابی نیز در بدو امر تجربه ای نداشتیم. ولی پس از یک سلسله شکست ها و ناکامی ها تجربه آموختیم و فقط پس از آن بود که به پیروزی سراسری درکشوردست یافتیم.

ما باید اکنون سعی کنیم تا دوره تجربه اندوزی در ساختمان اقتصادی قدری کوتاه تر از دوره تجربه اندوزی در انقلاب گردد و ضمناً به آن گرانی هم تمام نشود. البته در ازای این تجربه باید چیزی پرداخت، ولی غایت آرزو خواهد بود اگر بهای آن به آن گرانی مرحله انقلاب نباشد.

باید قبول کرد که در اینجا تضادی وجود دارد - تضاد میان قوانین عینی تکامل اقتصادی جامعه سوسیالیستی و شناخت سوبژکتیو ما. این تضاد باید در پراتیک حل شود. این تضاد به صورت تضاد میان افراد نیز تظاهر می کند، یعنی تضاد بین کسانی که قوانین عینی را نسبتاً صحیح بازتاب می کنند و کسانی که آن را نسبتاً غلط منعکس می سازند. از این رو این نیز از جمله تضاد های درون خلق است. هر تضاد یک واقعیت عینی است و این وظیفه ما است که آن را حتی الامکان به طور دقیق منعکس و حل نمائیم.

برای این که چین را به یک قدرت صنعتی بدل کنیم، باید از تجربه پیشرو اتحاد شوروی به طور جدی بیاموزیم. اکنون چهل سال است که اتحاد شوروی در کار ساختمان سوسیالیستی است و تجربه وی برای ما بسیار گرانبها می باشد. ببینیم چه کسی این همه کارخانه های مهم را برای ما طرح کرده و ساخته است؟ آیا امریکا بوده است؟ یا این که بریتانیا؟ خیر، اینها هیچ کدام نبودند. این فقط اتحاد شوروی بود که آمادگی خود را اعلام داشت، زیرا اتحاد شوروی کشور سوسیالیستی و متحد ماست.

علاوه بر اتحاد شوروی برخی از کشورهای برادر اروپای شرقی نیز به ما کمک هائی نمودند. مسلماً ما باید از تجارب خوب کلیه کشورها اعم از سوسیالیستی و یا کاپیتالیستی بیاموزیم، در این مورد هیچ شک و تردیدی نیست. ولی مهم تر از همه این است که از اتحاد شوروی بیاموزیم. درباره آموزش دو روش مختلف موجود است.

اول روش دگماتیستی است که می گوید باید از همه چیز صرف نظر از این که برای شرایط کشور ما مناسب باشد یا نه، اقتباس کنیم. این روش درستی نیست.

روش دیگر این است که ما باید هنگام آموزش فکر خود را به کار اندازیم و آن چیزی را بیاموزیم که با شرایط کشور ما تطبیق می کند، یعنی کلیه تجاربی را بپذیریم که برای ما مفید هستند. ما درست نیازمند چنین روشی هستیم.

تحکیم همبستگی با اتحاد شوروی و تحکیم همبستگی با کلیه کشورهای سوسیالیستی سیاست اساسی ما است، در این امر منافع اساسی ما نهفته است. علاوه بر این ما باید همبستگی خودمان را با کشورهای آسیا، افریقا و کلیه کشورها و خلق های صلحدوست مستحکم کرده و رشد و تکامل دهیم.

در صورت وحدت با این دو نیرو ما دیگر هیچ گاه منفرد نخواهیم بود. اما در مورد کشورهای امپریالیستی، ما باید با خلق های این کشورها متحد شویم، برای همزیستی مسالمت آمیز با این کشورها کوشش کنیم، با آنها معامله کنیم و از وقوع یک جنگ احتمالی پیشگیری نماییم. ولی درباره این کشورها به هیچ وجه نباید به خود تصورات واهی راه دهیم.